

خلیج فارس میراث بشریت

گردآوری : مژده آریانفر
کارشناس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان خوزستان

مقدمه

شکل گیری تمدنهای بشری با آغاز زندگی یکجا نشینی و به تبعیت از شرایط محیطی و جغرافیایی در کنار رودخانه ها پدید آمده اند. تمدن مصر در کنار رودخانه نیل، تمدن هند در کنار رودخانه گنگ، تمدن چین در کنار رودخانه یانگ تسه کیانگ و تمدن ایلام در فلات ایران در کنار رودخانه های دجله و فرات و کارون و کرخه حیات یافته اند. در مقاله «خلیج فارس میراث بشریت» سعی بر این بوده است که به نقش اهمیت و جایگاه خلیج فارس در شکلگیری تمدن به عنوان میراث اجتماعی-فرهنگی بشری با در نظر گرفتن شرایط جغرافیایی در پیدایش تمدن و خصوصیات و ویژگیهای جمعیتی در شکل گیری ارزشهای معنوی تمدن پرداخته شود. عبارت دیگر لحاظ نمودن تعاملات متقابل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و محیطی در طی دوره های مختلف زمانی و فراز و نشیب هایی که یک تمدن به عنوان یک موجود زنده برخوردار بوده مهمترین دلیل این نگارش است. مطالعه حاضر یک مطالعه کیفی است که با استناد به برخی از منابع موجود و در دسترس صورت پذیرفته است. نتیجه گیری: نتایج این مطالعه بیانگر این گواه تاریخی است که شکل گیری و حیات هر تمدن در بستری مناسب بسته به زمینه های مادی (ابزار، محیط طبیعی و مکان قرار گیری) و معنوی (شیوه ها، ارزشها و تعاملات فرهنگی) مردمی که بوجود آورنده و استفاده کننده از آن میباشند معنا و هویت میابد. معنا و مفهومی که به مثابه موجودی زنده کلیه مراحل حیات را از بدو تولد تا پیری پشت سر میگذارد، تولدی که آغاز کننده شروع جدید میباشد اما مرگی که پایان همه چیز خواهد بود و این قانونی است که تاریخ زندگی گذشتگان را برای ما به عنوان میراث بشری به ارمغان می آورد.

چکیده مقاله :

فلات ایران بدلیل برخورداری از موقعیت جغرافیایی و اقلیمی و توان های محیطی از قدیمی ترین زمان مسکونی بوده، نخستین اقوامی که به این سرزمین مهاجرت کرده اند آریایی ها بودند که از دیرباز بدلیل تعاملات فرهنگی و اجتماعی مهاجران و گروه های بومی با یکدیگر در واحدهای جغرافیایی فلات ایران و در سایه وحدت روابط متقابل طبیعی، اقتصادی، انسانی و سیاسی در قالب کانونهای حکومتی در ایجاد حکومت های مرکزی ایران نقش بسزائی داشته اند. در این میان تمدن عیلام در قسمت جنوب غربی ایران بدلیل مجاورت با تمدن های میانرودان (بین النهرین) و نقطه تلاقی فرهنگ بین النهرین با داخل فلات و ارتباط با تمدنهای چین و هند از طریق دریای پارس (خلیج فارس) جایگاه ویژه ای داشته است. دریای پارس به عنوان قسمتی از اقیانوس هند و تنها دریای آزاد ایران از قدیمی ترین دریا هایی می باشد که انسان شناخته است، زیرا تمدن بشری در کنار آبهای آن پدید آمده است. و ساکنان آن افرادی بودند که با فن دریانوردی آشنا شده و به کشتیرانی پرداختند. اهمیت این دریا بلحاظ اقتصادی-بازرگانی و ارتباطی و انتقال فرهنگ های سرزمین های گوناگون یعنی شرق و غرب بوده است. و این نقش از روزگار باستان آغاز شده، البته در طول تاریخ بواسطه تشکیل حکومت های مختلف شکل گیری جامعه خلیج فارس مهاجرات اقوام، آثار تاریخی بجا مانده پیدایش کشورهای مختلف نیازهای جدید منطبق با نظام سرمایه داری و ورود استعمار دگرگونی های پدید آمده، که این دگرگونی ها و تغییرات و تحولات همگی گواهی است بر اهمیت خلیج فارس یا دریای پارس به عنوان میراث بشریت.

یوریس فون لوهازن در مورد اهمیت منطقه خلیج فارس می گوید:^۱
میان دو نوار اروپا و آفریقا، استرالیا و آسیا سرزمین های سیبری و واقع شده و در مرزهای جنوبی آن خاورمیانه قرار دارد، خاورمیانه مرکز دنیای قدیم است مرکزی که در دل آن منطقه خلیج فارس قرار دارد و به منزله مرکز مرکز شناخته می شود.^۱

فلات ایران واحد جغرافیای بزرگی در جنوب غربی آسیا است، در این فلات هفت منطقه طبیعی دیده می شود که هر یک وحدت خاص خویش را دارند: آسیای صغیر، ارمنستان، قفقازیه، ایران، عربستان، سوریه و بین النهرین. اولین و قدیم ترین کانونهای حکومتی ایران بر این واحدهای جغرافیایی و طبیعی فلات ایران^۲ منطبق بوده است مانند:

۱. کانون حکومتی آشور که حدود ۶۷۴ قبل از میلاد در نواحی غربی فلات ایران قرار داشته است.
۲. کانون حکومتی ایلام (عیلام) که در جنوب غربی فلات و در واحد جغرافیایی-منطقه-خوزستان و ارتفاعات جنوب غربی زاگرس شکل گرفته است.
۳. کانون حکومتی ماد که هسته اولیه آن با منطقه آذربایجان منطبق بوده است.
۴. واحد جغرافیایی فارس که محل نشو و نما و کانون حکومتی پارس بوده است.
۵. واحد جغرافیایی بلخ، واقع در شمال شرقی فلات ایران که با کانون حکومتی باختر منطبق بوده است.
۶. واحدهای جغرافیایی گرگان و خراسان که کانون و محل بوجود آمدن قوم و حکومت پارت بوده است.^۳

فلات مرکزی ایران یکی از مناطق مهم فرهنگی و ارتباطی پیش از تاریخ این سرزمین بشمار می رفته و از دیرباز عمده ترین مسیرهای ارتباطی بین النهرین و جنوب غربی فلات ایران را به نواحی شمال شرقی، افغانستان و سرزمین چین متصل می کرد:

الف - جاده ابریشم که دوران اسلامی به «راه بزرگ خراسان» معروف بوده است.
ب - راه ادویه که سواحل شرقی دریای مدیترانه و آفریقای شمالی را از طریق جنوب ایران به چین و اندونزی متصل می کرده است.

فلات ایران به عنوان مهد تمدن و هویت ایرانی به علت موقعیت و شرایط خاص جغرافیایی از شرایط محیطی و اقلیمی نسبتاً بهتری برخوردار بوده و به عنوان بستری مناسب از دیرباز مسکونی بوده و مورد توجه اقوام مختلف نیز قرار گرفته است.

جنوب غربی فلات ایران یعنی دشت ها و جلگه های حاصلخیز بین النهرین، به عنوان بخشی از «هلال خصیب» یکی از مهدهای تمدن دنیا بوده و می توان گفت قدیمی ترین شیوه سکونت یکجانشینی و تمدن شهرنشینی در این منطقه از جهان شکل گرفته است

فلات ایران سرزمین آریانیان از هزاره سوم تا سال ۸۰۰ قبل از میلاد محل سکونت اقوام بومی یعنی سامی نژادان و مهاجران آریائی بود و در این مدت بین آنها تعاملات فرهنگی و سیاسی صورت گرفته بود. از سال ۷۰۸ قبل از میلاد شروع حکومت مادها به رهبری «دیاکو» قدرت حکومتی در فلات ایران بدست اقوام آریایی افتاد این اقوام تا سال ۶۵۲ میلادی در قالب امپراطوری های ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی در این سرزمین حکومت کردند.^۱

بنابر گفته گیرشمن^۲ از پنج هزار سال قبل از میلاد، نخستین تمدنها در داخل فلات ایران شکل گرفته است و وسعت و مراحل گسترش آنها تحت تاثیر عوامل:

- ❖ موقعیت و شرایط جغرافیایی
- ❖ تماس با همسایگان و ارتباطات بازرگانی بین آنها
- ❖ هجوم و مهاجرت اقوام بوده است.

۱. همان منبع، ص ۶۰-۵۹ برگرفته از یادداشت های منتشر نشده دکتر محمد آبادی، گروه تاریخ دانشگاه اصفهان ۱۳۷۵.

۲. همان منبع برگرفته از گیرشمن رومن، ایران از آغاز تا اسلام ص ۹.

۳. افشار سیستانی ایرج، جغرافیای تاریخی دریای پارس، انتشارات حوزه هنری تهران ۱۳۷۶ ص ۱۷۳-۱۷۵.

عیلام :

سرزمینی که بعدها خوزستان نام گرفت در کتب مقدس و در تاریخ عیلام نامیده می شده است این سرزمین که در حاشیه جنوبی فلات ایران واقع است دشتی که از شمال با ارتفاعات زاگرس و از جنوب بوسیله رودخانه های کرخه (سیمره) آبدیز و کارون که از ارتفاعات شمالی سرچشمه می گیرند محدود می شده است در عهد قدیم عیلام به مملکتی اطلاق می شد که از ولایات زیر تشکیل شده بود.

خوزستان، لرستان، پشتکوه و کوه های بختیاری این مملکت از طرف مغرب به رودخانه دجله، از طرف مشرق به قسمتی از پارس، از سمت شمال به راهی که از بابل به همدان می رفت و از سمت جنوب به خلیج فارس تا بوشهر منتهی می شد.

قسمت جنوبی عیلام سرزمینی دشتی بنام سوزیان بود که از قرون وسطی به بعد توسط ایرانیان به اسم خوزستان نامیده می شد.

طوایف پارس و ماد عیلام را خووجه و یا هووج یا خوز (هوز) می خواندند که همین نام بعدها بصورت سوز و سوزیان (شوش) و خوزستان بکار رفته است.

عیلامیان از هزاره ۳ (ق.م) صدها سال از دریای پارس به عنوان راه ارتباطی و از بندر خرمشهر و جزیره خارک برای حکمرانی بر کرانه ها و جزایر دریای پارس و همچنین بازرگانی با هند باختری و دره نیل استفاده می کردند.^۱

۱

مورخین و باستانشناسان تاریخ عیلام را دو دوره نوشته اند :

۱. دوره پیش از تاریخ که آغاز شهرنشینی آنها تا خط نویسی و تشکیل حکومت مرکزی آنها می باشد. (۲۲۳۰ ق.م)

۲. دوره تاریخی که با ملل بین النهرین در جنگ و ستیز بودند تا (۷۴۵ ق.م) و بالخره در سال (۶۴۵ ق.م) این دولت بدست آشوریان منقرض گردیدند.

1

۱. همان منبع، ص ۶۰-۵۹ برگرفته از یادداشت های منتشر نشده دکتر محمد آبادی، گروه تاریخ دانشگاه اصفهان ۱۳۷۵.

۲. همان منبع برگرفته از گیرشمن رومن، ایران از آغاز تا اسلام ص ۹.

۳. افشارسیستانی ایرج، جغرافیای تاریخی دریای پارس، انتشارات حوزه هنری تهران ۱۳۷۶ ص ۱۷۳-۱۷۵.

دکتر تکمیل همایون ناصر، خلیج فارس، دفتر پژوهش های فرهنگی، چاپ اول ۱۳۸۰ ص ۱۱.

۲. دکتر الهی همایون، خلیج فارس و مسایل آن، نشر قومس، چاپ ششم ۱۳۷۹ ص ۹-۱۷.

۳. دکتر مجتهدزاده، خلیج فارس، کشورها و مرزها، موسسه انتشارات عطائی، چاپ اول ۱۳۷۹ ص ۱۷-۲۳.

۴. افشارسیستانی ایرج، نگاهی به بوشهر جلو اول ص ۹۷ [تاریخ دریای پاری ص ۱۷۶].

۵. دکتر الهی همایون، خلیج فارس و مسایل آن ص ۱۴.

مرکز حکومت عیلام شهر شوش بوده و در مدت دو هزار و پانصد سال حکومت عیلام از آغاز هزاره سوم تا نیمه اول هزاره پیش از میلاد و در طول ۴ سلسه :

انشان، سیماش، پارسوماش و آوان، مرکز حکومت عوض نشده و ایالات دیگر از طریق شهر شوش بصورت فدراتیو (ایالت های شاهزاده نشین) اداره می شده است.

موقعیت و شرایط جغرافیایی عیلام یعنی قرار گرفتن این مرکز تمدن در کنار تمدنهای سامی بین النهرین و ارتباط آن با تمدنهای آکاد، کلدانی، سومری و آشوری که خود این مراکز نیز با تمدنهای قدیمی دنیای آن روزگار یعنی _ تمدنهای موهنجودارو در هند، کرت در جنوب یونان، مصر و فینیقیه ارتباط داشتند و از عوامل موثر در عظمت و دوام این تمدن بوده است، این تعاملات فرهنگی را بی شک می توان مدیون وجود دریای پارس یا خلیج فارس و استفاده از راههای دریایی دانست.

خلیج فارس که پیشرفتگی آب در حدوسط سرزمین ایران و شبه جزیره عربستان است تا محور ۱۰۰۰ کیلومتر از شط العرب تا تنگه هرمز ادامه دارد. مدخل آن در تنگه هرمز با حدود ۸۵ کیلومتر و بخش پایانی آن در راس خلیج فارس با حدود ۳۲۰ کیلومتر بوده و بیشترین عرض آن در شمال ۳۲۵ کیلومتر است. مساحت این خلیج ۲۲۶ هزار کیلومتر مربع و ژرفای متوسط آن ۳۵ متر ثبت شده است. که در پاره ای نقاط از جمله تنگه هرمز به ۹۰ تا ۱۰۰ متر نیز می رسد.^۱ در حدود العالم من الشرق الی المغرب آمده است خلیج فارس از حد پارس برگیرد تا پهنای اندک تا به حدود سند.^۲

خلیج فارس از پدیده های دوران سوم زمین شناسی است و حدود ۳۰ میلیون سال قبل بوجود آمده است. خلیج فارس در زمانی تقریباً تمامی سطح جلگه بین النهرین جنوبی و مرکزی را تا حدود حدیثه و هئیت در شمال بغداد و همینطور بخش اعظم جلگه های برازجان (بوشهر) بهبهان و خوزستان تا کوههای زاگرس را تا اواخر دوره سوم زمین شناسی دربر می گرفت. کوچک شدن مساحت خلیج فارس بر اثر تحولات زمین شناسی و رسوبات رودخانه ای به آن بوده است. خلیج فارس از مصب اروندرود و از بهم پیوستن رودخانه های دجله و فرات پدیده آمده و تا شبه جزیره مسندم در عمان امتداد دارد و از طریق دریای عمان با اقیانوس هند ارتباط دارد.

خلیج فارس^۳ یکی از قدیمی ترین دریاهایی است که تمدن بشر در نزدیکی آن پدید آمده است، خلیج فارس نقش خود را به عنوان شاهراه بازرگانی از روزگار باستان آغاز کرد. این نقش از هنگام گسترش یافتن قدرت امپراطوریهای بزرگ در جهان باستان از جمله هخامنشیان می باشد، هخامنشیان از وجود فنیقیه ها، بنادر صور و صیدا و جزایر و کرانه های کوچک استفاده کرده و دریای مکران، خلیج فارس و دریای احمر را زیر سیطره خود بردند. وجود دریایی چون خلیج فارس موجب پیدایش تمدنهای بزرگ در سرزمین های اطراف آن گردیده و یا بالعکس وجود چنین دریایی با اهمیت اقتصادی، بازرگانی و راه ارتباطی که داشته از سوی قدرتهای حاکم برای تبادل علم و ثروت و گسترش قدرت همواره استفاده شده است.^۴

خلیج فارس دروازه انتقال تمدن مشرق به سایر نقاط بوده است. (این منطقه از جهان نه تنها مرکز پیدایش نخستین تمدنها و بلکه خاستگاه پیامبر عظیم الشان نیز بوده است)^۵

۱

نخستین ساکنان خلیج فارس از مردمان بومی خلیج فارس بودند که با نژادهای شمال آفریقا و آسیای جنوبغربی نقاط مشترکی هایی داشتند از جمله در اویدیها و مکرانی ها که به مرور، بازرگانان و مهاجران سومری و عیلامی و آکادی ها هم به آنان اضافه شدند.^۱

دریای پارس که از بهم پیوستن خلیج فارس و دریای مکران (دریای عمان) بوجود آمده است. قسمتی از اقیانوس هند و تنها دریای آزاد ایران است و جداکننده فلات ایران از شبه جزیره عربستان، ساکنان اولیه خلیج فارس دریانوردانی بوده اند که فن دریانوردی را آموخته و کشتی را اختراع کرده و خاور و باختر را به یکدیگر پیوند داده بودند.^۲ بدلیل همین راه داشتن به اقیانوس و دریاهای آزاد در طول تاریخ مورد توجه ملل و اقوام مختلف بوده اند. ساکنان خلیج فارس بومی ها و حتی سایر اقوام یعنی آشوری ها، سومریها، آکدی ها، بابلی ها، پارس ها، هندی ها و اعراب بر روی این دریا به دریانوردی پرداختند. و در این میان ایرانیان اقوامی بودند که بر آبهای خلیج فارس فرمانروایی می کردند. در زمان هخامنشیان بخصوص در دوران سلطنت داریوش تسلط بر هندوستان و مصر ایرانیان را وادار نمود که توجه بیشتری به دریانوردی داشته باشند و جهت رسیدن به این امر دستور حفر ترعه ای را بین بحر احمر و دریای مدیترانه صادر نمودند.^۳

در کتیبه ای از داریوش اول در همان منطقه یافت شده است، آمده است.

« من پارسی هستم از پارس مصر را گرفتم من فرمان حفر این ترعه را دادم از رودخانه ای بنام نیل که در مصر جاری است تا دریایی که به پارس می رود پس از آن این ترعه حفر شد، چنانکه فرمان دادم و کشتی ها از مصر از وسط این ترعه بسوی پارس روانه شدند چنانکه میل من بود.»^۱

این کتیبه بیانگر علاقه ایرانیان به امر دریانوردی و قدرت دریانوردی و اهمیت دریای پارس یا خلیج فارس است. داریوش اول دستور داد تا بحریه ای در کرانه رود سند بنیان نهند جهت کاوش و شناسایی راههای دریای از هند تا مصر (سیلاکس کاریاندی سرتاسر سواحل خاوری آفریقا، عربستان، کشورهای حوزه اقیانوس و خلیج فارس را دور زده و به دریای سرخ رفت و از طریق همان کانال به دریای مدیترانه نیز رفت)

ساخت پل‌های شناور، ایجاد یک خط کشتیرانی بازرگانی بین خلیج فارس و چین (در دوره ساسانیان انوشیروان ۵۳۱م) گسترش ناوگان بازرگانی و رزمی دریانوردی یا بحریه زمان انوشیروان سرتاسر کرانه عربستان، دریای سرخ و کرانه های خاوری آفریقا را پیمود، نیروی مزبور یم را گشود، آن را پایگاه باختری ایران بر کرانه دریا گردانید، اقیانوس هند را طی کرد و تا سیلان، سری لانکا پیش رفت و آن را ضمیمه کشور نمود و پایگاه خاوری ایران در اقیانوس هند گردانید.^۲

پس از پیروزی اسلام، دریانوردان ایرانی همچنان در سراسر جهان از چین، سیلان و هند گرفته تا بنادر خلیج فارس و دریای سرخ حضور داشتند علاوه بر این بسیاری از اکتشافات و اختراعات نیز توسط آنها انجام گرفت. ایرانیان دانش دریاشناسی را پایه نهاده، نخستین ملتی بودند که غواصی را آموختند و آموزش دادند، ساخت و ایجاد سکان، توسعه و گسترش راههای دریایی، استفاده از فانوس های دریایی و ایرانیان فن و علم نقشه کشی را توسعه دادند اما این فن نیز مانند فن دریانوردی کم کم رو به انحطاط نهاد.

۱

ایرانیان ساکنان اصلی این سرزمین ها بودند بطوریکه مردم عمان را با مردم ایران از یک ریشه می دانند. ساکنان بخش شمالی خلیج فارس از هنگام اسکان قبیله های آریایی در ایران در قرن هفتم پیش از میلاد رفته رفته در آریاییان حل شدند. نخستین ایرانیان از قبیله های کوچ نشین هند و اروپایی بودند که از خاور و باختر دریایی خزر آهسته آهسته به فلات ایران کوچ کرده و با ساکنان اولیه آن در آمیختند و کوچ نشینی را در فلات ایران به سود تمدن یکجانشینی ترک کردند. گروه پارسیان از قبیله های آریایی در قرن هفتم میلادی در «انشان» که خود حکومتی وابسته به عیلام بود چیرگی یافتند از آنجا که کورش از عنوان «پادشاه انشان» استفاده می کرد و از آنجا که در خط عیلامی در نوشته های تخت جمشید و در نوشته های داریوش در بیستون بکار گرفته شده است، می توان گمان برد که نهاد قدرت و تمدن هخامنشی بر اساس دو پایه پارسی و عیلامی استوار بود. از آن هنگام که ایران‌شهر یا کشور ایران چهره ای جغرافیایی-سیاسی پیدا کرد و مفهوم حکومت و سرزمین را در این بخش از جهان واقعیت داد.

هجوم کوچ نشینان آریایی از شمال خاوری به فلات ایران ادامه یافت و آمدن گروههایی همانند پارسیان، سکاییان، و هپتالیان خراسان و گرگان به داخل ایران تا قرن ششم میلادی ادامه یافت. گروههای آریایی رفته رفته بر سراسر

۱. دکتر تکمیل همایون ناصر، خلیج فارس، دفتر پژوهش های فرهنگی.

۲. دکتر الهی همایون، خلیج فارس و مسایل آن ص ۱۴. (رائین اسماعیل، دریانوردی ایرانیان ص ۶۵ و دکتر مجتهدزاده پیروز، خلیج فارس، کشورها و مرزها)

۳. دکتر الهی همایون، خلیج فارس و مسایل آن، نشر قومس، چاپ ششم، ص ۲۵-۱۸.

۴. در سال ۱۲۳۵ (۱۸۵۶م) حفر کانال سوئز توسط فردیناند دولسپس فرانسوی شروع و در سال ۱۲۴۸ (۱۸۶۹م) خاتمه یافت. وی همان مسیری را برای حفر کانال انتخاب کرد که داریوش اول در اواخر قرن (۶ق.م) دستور حفر آن را داده بود.

۵. دکتر الهی همایون، خلیج فارس و مسایل آن، برگرفته شده از کتاب هورانی مورخ - دریانوردی عرب در دریای هند ص ۵۰-۶۸.

فلات ایران چیره شدند. این سرزمین را «ایران» نامیدند. زبانهای ایرانی شاخه ای از خانواده زبانهای هند و اروپایی بودند.

قرار گرفتن مرزهای ایرانشهر میان رودهای جیحون در خاور، فرات در باختر، قفقاز در شمال و بحرین کرانه ای در جنوب از روزگار هخامنشیان به گونه یک پدیده جغرافیایی-سیاسی خودنمایی کرد و تا روزگار ساسانیان بصورت یک سنت قوام گرفته جغرافیای سیاسی در آمد.

سرزمین های خلیج فارس بخش جنوبی حکومت فدرال (فدراتیو) ایران را تشکیل می داد. بعبارتی شکل گرفتن و پیدایش جامعه ویژه خلیج فارس از عوامل اصلی حرکت گروهی مردم از داخل ایران به خلیج فارس در قرون میانه میلادی بودند. حکومت هزارساله ایران در پس کرانه های جنوبی خلیج فارس در دوران ساسانی اقتدار و نظم ویژه ای پیدا کرد، در آن دوران ایران دو حکومت خودمختار در جنوب خلیج فارس داشت بنام های «هگر» و «ماسون»، هگر به عربی هجر شامل نیمه باختری جنوب خلیج فارس بود و ماسون دربرگیرنده نیمه خاوری جنوب خلیج فارس. هگر در دوران هخامنش «اوال» نام داشت و در دوران اسلامی «بحرین» نام گرفت که شامل مجمع الجزایر کنونی بحرین و سرزمین های کرانه ای حسا و قطیف در عربستان سعودی کمونوی و شبه جزیره قطر می باشد.

ماسون در دوران اسلامی عمان نام گرفت که شامل نیمه شمالی کشور کنونی عمان و سراسر فدراسیون امارات اسلامی متحده عربی کنونی را دربر می گرفت. سرزمین جلویی ماسون در تنگه هرمز «مازوندم» یا «ماسوندم» نام داشت که امروز شبه جزیره مسندم همان محل و مکان ورود به ماسیانه عمان است.^۱ (بازماندگان ساکنان اصلی هگر یا بحرین امروز بهادینه گان یا بحارینه ها نامیده می شوند. ایرانیان بومی کرانه های جنوبی خلیج فارس).

محور اصلی حکومت در سراسر منطقه خلیج فارس ساختاری بود فدراتیو با شکلی از خودمختاری برای حکومت های محلی، گرد روابط مشخص میان مرکز و خودمختاری های محلی و پیرامونی بودند. سرزمین های این ساختار سیاسی بنام سلسه های حکومتی وقت خوانده می شدند، از آنجا که هخامنشیان از پارس بودند سرزمین های فدراتیو هخامنشی «حکومت پارس» خوانده می شد.

مهمترین دستاورد حاکمیت ایرانی-عمانی در سرزمین های مسندم و امارات کنونی پیدایش مفهوم «جامعه خلیج فارس» و گسترش این مفهوم در سده های اسلامی در سراسر منطقه خلیج فارس است. ظهور اسلام و مهاجرت اعراب مهمترین عوامل این درهم آمیختگی فرهنگی را بنا گذاشت علاوه بر این عبور مهمترین راههای بازرگانی خاور و باختر از نزدیکی خلیج فارس و قرارگرفتن آن در مرکز اندیشه های جغرافیای سیاسی از عوامل دیگر انجام و گسترش جامعه خلیج فارس بودند.

۱

نام های خلیج فارس :

۱. خلیج فارس در قدیمی ترین منابع یعنی کتیبه های آشوری به اسم «نارمرتو» ذکر شده است
۲. در کتیبه های داریوش «دریایی که از پارس می آید» آمده است
۳. هرودت مورخ یونانی آن را «ارتیره» نامیده است
۴. استرابو جغرافیدان یونانی آن را پرسیکون کای تاس می نامد
۵. بطلمیوس عالم معروف علم هیات و جغرافیای قدیم از این خلیج به اسم پرسیکوس سینوس (به معنی خلیج فارس) یاد کرده است
۶. این خلیج در زبان انگلیسی Persian Gulf به فرانسه Golf Persique به آلمانی Persischer Golf به ایتالیایی Golf-Persico و به زبان روسی Persidaki Zalíc نامیده شده است.
۷. آمده که در همه آنها کلمه خلیج فارس وجود دارد.
۷. در دوره اسلامی این خلیج به نام های دریای فارس، دریای پارس و خلیج فارس آمده است از جمله این حوقل در صوره الارض آن را «بحر فارس» و ابن خردادبه در کتاب خود بنام عجایب الهند و البره و البحره و الجزیره آن را دریای پارس نامیده است.

^{۱۴} . مجتهدزاده پیروز، توضیحی بر تاریخ دریانوردی و کشتیرانی در خلیج فارس و دریای هند، هفته نامه خواندنی ها، شنبه هفدهم تا بیست و چهارم اردیبهشت سال ۱۳۵۴، شماره ۷۰ سال ۱۳۳۵ ص ۲۲-۲۴.

۸. سترنخ خاورشناس معروف در کتاب خود که از انگلیسی به عربی ترجمه شده (بلدان الخلاقه الشرقیه) از خلیج فارس بنام خلیج فارس نام برده است.
در کتب تاریخی پیش از اسلام و بعد تا قرن ششم هجری فقط بحر فارس یعنی دریای پارس دیده می شود به مرور زمان بوسیله پیشروی مسندام در دریا و ایجاد شدن تنگه هرمز، دریای ایران در دو قسمت به اسم خلیج فارس (در مغرب) و دریای پارس نامیده شد و دریای پارس از تنگه هرمز تا بندر گواتر (سر حد ایران و پاکستان) ادامه داشت.
به خلیج فارس در قرنهای ۱۲ و ۱۳ میلادی دریای کرمان، بلوچستان و مکران گفته می شد.

۱

آثار تاریخی خلیج فارس : *

■ بندر سیراف :
در کرانه شمالی خلیج فارس بین بوشهر و بندر لنگه، بندر کوچک طاهری قرار دارد، بجای بندر طاهری قبل از روزگار ساسانیان تا مدتی بعد از حکومت‌های اسلامی بندر سیراف قرار داشته بندر سیراف از مهمترین بنادر بازرگانی دریای پارس (خلیج فارس) در آن زمان بوده و در انتهای شاهراه بازرگانی مهم عهد ساسانی که از شهر گور می گذشته قرار داشته است. در این بندر کالاهای خراسان، مادا صفهان، ری و کاشان بود و کالاهای ایرانی مانند : پارچه، ادویه، گلاب، غله، میوه های خشک و دستباف را به کشتی ها تحویل می داد. علاوه بر این بندر سیراف بازار دادوستد مرواریدهایی بود که از جزایر کیش، قشم، هرمز بحرین و لارک صید می شد.
■ شهر و جزیره هرمز :
جزیره هرمز تا سده ششم هجری «جرون» نام داشت، بندری بنام هرمز در نزدیکی شهر میناب کنونی که از بنادر مهم تجاری کرمان و سیستان بشمار می رفت.

^{۱۴} . همان منبع برگرفته شده از کتاب های ذیل :

۱ - ۱ . اقتداری احمد، خلیج فارس ص ۲ .

A History of Ancient Geography ;2 mape of the world p 578.

۱ - ۲ .

این شهر را از آثار اردشیر بابکان دانسته و مرکز تجارت و معاملات مشرق زمین بوده، در این شهر سلسه ای از امرای محلی ایرانی بنام «شاهان هرمز» فرمانروایی می کردند که آخرین امیر این سلسه (امیر بهاءالدین ایاز) در حمله مغولان به همراه تعدادی از مردم به جزیره جرون (هرمز امروزی) رفت. جزیره هرمز بدلیل قرارگرفتن بر سر راه کشتی های بود که از شرق و غرب دنیا در مسیر اقیانوس هند و دریای پارس رفت و آمد می کردند و راههای ادویه و البریشم نیز به آن نزدیک بود از اهمیت تجاری و بازرگانی زیادی برخوردار بود.

آلفونسو آلبرکرک دریاسالار پرتغالی می نویسد:

در مرکز روابط تجاری آسیا و هندوستان سه نقطه است:

تنگه مالاکا، عدن و هرمز که از آن دو مهمتر است و با در دست داشتن این سه نقطه دولت پرتغال باید خود را مالک دنیا بخواند.

■ جزیره خارک:

جزیره خارک از سه هزار سال پیش از میلاد مسیح جزو قلمرو کشور ایلام بوده است.

در زمان ساسانیان بر روی بقایای این معبد آتشکده ای بنا شد و در دوره اسلامی این آتشکده بصورت مسجدی درآمد و در آن محرابی ساختند، جزیره خارک بدلیل قرارگرفتن در انتهای راه دریایی اقیانوس هند از رونق و اعتبار فراوانی برخوردار بود. علاوه بر این محصول ابریشم ایران از راه بازرگانی که بنام «جاده ابریشم» معروف بود حمل می شد و این راه از خلیج فارس و جزیره خارک نیز می گذشت.

■ جزیره بحرین:

مجمع الجزایر بحرین با مسافتی نزدیک به ۷۰۰ کیلومتر مربع بین قطر و عربستان واقع شده که بزرگترین آنها جزیره بحرین است. این جزیره در زمان آلبرکرک به تصرف پرتغال درآمد و در سال ۱۶۰۲ میلادی شاه عباس آن را ضمیمه ایران نمود. در سال ۱۸۲۰ امیر وقت بحرین با انعقاد قراردادی مقدمات تحت الحمایه شدن آن را فراهم کرد و در سال ۱۸۳۵ دولت استعماری انگلیس در آنجا پایگاه نظامی دایر نمود. ص ۱۷۳ بعد از خروج نیروهای انگلیسی از شرق سونز این جزیره در سابق جزء ایران بود در طی یک همه پرسی به عنوان کشوری مستقل اعلام شد.

■ تنگه هرمز:

در حدود ۶۳ تا ۶۴ هزار سال قبل گروههایی از نژاد آریایی به فلات ایرانی مهاجرت رکندند، همزمان با آنها دسته ای از آریایی نژادان هندوستان به قسمت جنوبی فلات و کرانه های سواحل امروزی خلیج فارس درآمده و در آنجا اسکان یافتند و سرزمین خود را دریای پارس نامیدند. در نتیجه آبهای جنوب سرزمین ایشان که قلمرو حاکمیت آنها بود دریای پارس نامیده شد.

۱

مرزهای خلیج فارس^۱:

در منطقه خلیج فارس در حدود ۴۰ جزیره بزرگ و کوچک در حاکمیت ایران قرار دارد که موقعیت مرزی ایران را در خلیج فارس بلحاظ قوانین بین المللی تنظیم می کند. در جنوبشرقی خلیج فارس تنگه هرمز قرار دارد که گذرگاه ارتباطی خلیج فارس با دریای عمان و اقیانوس هند است و عرض آن حداقل ۵۶ و حداکثر ۱۸۰ کیلومتر است و عمق آن تا ۱۱۵ متر می رسد. مرزهای جنوبی ایران از خط وسط المیاه نهرخین در مرز ایران و عراق شروع شده و تا خلیج گواتر بطول بیش از ۱۸۰۰ کیلومتر ادامه دارد. با نفوذ و برقراری سلطه استعماری و بنیادها و نظام سرمایه داری دگرگونی های بسیاری پیدا کرده است و در نظام جدید جهانی، در بخش غربی و جنوبی آن مرزبندیهای جدیدی بوجود آمده، در ایران این دگرگونیها هم زمان با عصر قاجاریه آغاز شده است. و در دوره جدید تاریخ ایران، نفوذ سیاستهای خارجی به ویژه استعمارگری بریتانیای کبیر نقش نادرشاه افشار و تصمیم وی در ایجاد نیروی بحریه در خلیج فارس و دفاع از مرزهای دریایی و ناتوانی پادشاهان و دولتمردان قاجاری بر روی هم وضعیت جدیدی را در منطقه پدید آورده است که در آن شرایط انگلستان توانست با انعقاد قراردادی تحمیلی با شیوخ عمان، بحرین و کویت اوضاع را به نفع خویش خاتمه دهد. هم اکنون خلیج فارس دریایی است که کشورهای متعدد با داشتن سواحل دریایی متفاوت در اطراف آن قرار دارند. اما می توان گفت که مرزهای حکومتی

^۱*بیک محمدی حسن، مقدمه ای بر جغرافیای تاریخی.

حافظنیا محمدرضا، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، انتشارات سمت ۱۳۷۱ ص ۲۵۵

ایران کنونی بطور اعم و مرزهای جنوبی بطور اخص در درون گستره فرهنگی گذشته هر چند مفهوم جدید ملت را پدید آورده است اما هیچگاه از ساکنان کشورهای دیگر جدا نمانده است و بدیهی است علیرغم وجود جزیره‌های متعدد، کشورهای هفت گانه، نفوذ استعمار و روشن نبودن مرزهای دریایی روابط دوستانه و صمیمی با دولت‌ها و مردم همسایه ضامن پیشرفت و ترقی و سازنده جامعه بلحاظ اهمیت اقتصادی، اجتماعی و استراتژی خواهد بود و انسانگرایی آینده خواهد بود.

۱

اهمیت خلیج فارس :

خلیج فارس از روزگار باستان تاکنون دارای نقش و اهمیت بسزائی بوده است. تمدن ایرانیان در فلات ایران در کنار آبهای این دریا پدید آمد. خلیج فارس بدلیل برخورداری از موقعیت ویژه جغرافیایی، برخورداری از عمق مناسب نقش‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی و استراتژی و همچنین نقش ارتباطی و بازرگانی همواره جایگاه خاص خویش را حفظ نموده است. زندگی در خلیج فارس با تعاملات فرهنگی و اجتماعی بین گروه‌های مختلف قومی و نژادی، پیدایش دین اسلام، شکل‌گیری مفهوم جامعه خلیج فارس علیرغم وجود تهاجمات و سلطه حکومت‌های مختلف هیچگاه حیات فرهنگی آن در معرض تضاد و اغتشاش قرار نگرفت. گرچه امروزه با ورود استعمار به خلیج فارس و آمدن اعراب بخش‌های خلیج فارس و حتی پیدایش کشورهای جدید پاره‌ای دگرگونی‌ها شکل گرفت، اما این امر مانع از آن نشد که در نقش، اهمیت و جایگاه خلیج فارس به عنوان میراث بشریت شک و شبیه‌ای ایجاد گردد.

۱۱. دکتر تکمیل همایون ناصر، مرزهای ایران در دوره معاصر، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

فهرست منابع :

۱. دکتر بیک محمدی حسن ،مقدمه ای بر جغرافیای تاریخی ایران ،انتشارات دانشگاه اصفهان ،چاپ سوم ،۱۳۸۲ صفحات ۳۷ تا ۵۴ ، ۵۹ تا ۷۳ ، ۱۶۷ تا ۱۷۶ .
۲. دکتر الهی همایون ،خلیج فارس و مسایل آن ،ناشر نشر قومس ،چاپ ششم ،۱۳۷۹ ،صفحات ۹ تا ۱۸ ، ۱۰۹ تا ۱۲۳ .
۳. دکتر مجتهدزاده پیروز ،خلیج فارس ،کشورها و مرزها ،موسسه انتشارات عطائی ،۱۳۷۹ ،ص ۲۷-۹۵ .
۴. افشارسیستانی ایرج ،جغرافیای تاریخی دریای پارس ،حوزه فرهنگ پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی ،چاپ اول ،۱۳۷۶ ،ص ۱۳ تا ۱۰۹ ، ۱۱۱ تا ۱۶۸ .
۵. دکتر تکمیل همایون ناصر ،خلیج فارس ،دفتر پژوهش های فرهنگی ،چاپ اول ،۱۳۸۰ .
۶. دکتر تکمیل همایون ناصر [مرزهای ایران در دوره معاصر ،دفتر پژوهش های فرهنگی ،چاپ اول ،۱۳۸۰ .
۷. دکتر تکمیل همایون ناصر ،گستره فرهنگی و مرزهای تاریخی ایران زمین ،دفتر پژوهش های فرهنگی ،۱۳۷۹ .